

امام شنبه تا جمعه

ذکر خاطرات و رفتار های امام جمعه شهید تبریز «آیت...آل هاشم» به بهانه شهادت وی به همراه رئیس جمهور و دیگر شهدای ۳۰ اردیبهشت

پرونده

در خبر باور نکر دنی و بهت آور سقوط بالگرد رئیس جمهور، نام دیگری که مطرح شد آیت...سید محمدعلی آل هاشم، امام جمعه تبریز بود که از سر نشینان این بالگرد بود. شهید آل هاشم، فرزند آیت...سید محمد تقی آل هاشم از روحانیان بنام تبریز بود. امام جمعه تبریز سال ها در مناطق عملیاتی جبهه های جنگ حق علیه باطل شرکت کرده و با فرماندهان بزرگی مانند شهید صیاد شیرازی همراه بود. اواز سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۶ مسئولیت نمایندگی ولی فقیه و رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران را بر عهده داشت. شهید آل هاشم در ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری به عنوان نماینده مردم آذربایجان شرقی در این مجلس با کسب بیشترین رأی انتخاب شد. در این پرونده از مرحوم آل هاشم و سه خلبان شهید این پرواز گفته ایم. در صفحات دیگر روز نامه امروز هم یاد شهدای دیگر این حادثه ذکر شده است. روح همه در گذشتگان به خصوص شهدای سقوط بالگرد ریاست جمهوری شاد.



برش هایی از زندگی امام جمعه محبوب تبریز

آیت...آل هاشم به شدت بین همشهریاناش محبوب بود. مسن ترهای تبریز پدرش را می شناختند و جوان ترها با او آشنا بودند طوری که پس از شنیدن خبر شهادتش، مردم دسته دسته به منزل و دفتر وی برای عرض تسلیت به پدر خانواده اش مراجعه کردند. در مستند «یک روز با امام جمعه» که به بررسی زندگی آیت...آل هاشم می پردازد، شاهد رفتار و گفتار دلنشین این روحانی محبوب هستیم. وی در برخورد های روزانه اش با مردم بسیار فروتن بود و در تماس رودررو با مردم، با چهره ای بشاش سعی می کرد گره از کار مراجعانش باز کند. حضورش در شهر و بازار، عیادت بیماران، تشییع جنازه خانواده شهدا و سرزدن به منزل

شهیدان و جانبازان، باعث شده بود مردم او را از خودشان بدانند. این عزیز مردم، تکیه کلامش در برخورد با مردم «خدا عزیزتان کند» بود که از دیدنش لیخن در لب بزرگ و کوچک می آمد. امام جمعه شهید تبریز اعتقاد داشت که با محبت باید مردم را به خود جذب کرد، برای همین در دیدار هایش تاکید داشت از همه تشکل ها و طیف ها با هر خط فکری حضور داشته باشند. سخنران های پیش از خطبه هایش را از میان نمایندگان و مدیران شهر انتخاب می کرد و تاکید داشت مدیران زن هم در آن جایگاه سخن بگویند. می گفت به او «امام شنبه تا جمعه» می گویند، چون هر روز هفته در کنار مردم و به فکر کار آنان بود. حضورش

در دانشگاه ها برای سرزدن به دانشجویان معروف بود. رفتن به آسایشگاه سربازان در سیزده بدر و خوردن افطار با آنان، از خاطرات خوشش بود. او اولین امام جمعه ای بود که دستور داد حصار بین مردم و شخصیت ها در نماز جمعه برداشته شود و خودش از همان دری که مردم وارد و خارج می شدند، رفت و آمد می کرد. سفرش با قطار و در بین مردم عادی بسیار به چشم آمد. می گفت برای فیلم «به وقت شام» ۱۰ دقیقه صحبت کردم و از مردم خواستم به تماشای این فیلم بروند و خودم اولین نفری بودم که این فیلم را دیدم. پس از شنیدن خبر موفقیت یک مستند ساز جوان همشهری، برای تبریک به او زنگ زده بود که باعث

تعجب آن جوان شده بود. حضورش در ورزشگاه برای تماشای مسابقه فوتبال تیم شهرش از کارهایی بود که در ذهن مردم مانده است. پادشش با احترام تمام بر خورد و از مادر مرحومش به نیکی یاد می کرد. تاکید داشت که برادران و فرزندانش از رانت او استفاده نکنند و به واسطه جایگاهش در جایی مشغول نشوند. شهید آل هاشم بارها گفته بود که تبریز دو امام جمعه داشته که سید بوده و شهید شده اند (آیت...محمدعلی قاضی طباطبایی و آیت...سید اسد...مدنی)،

ماجرای عکسی که قرار بود بعد از شهادت منتشر شود

گفت وگوا «بهزاد پروین قدس» عکاس پیش کسوت تبریزی که آشنایی ۴۰ ساله با آیت...آل هاشم» داشته و عکس خاصش از امام جمعه تبریز در شبکه های اجتماعی پر باز دید شد

مجید حسین زاده | روزنامه نگار

تصویری از امام جمعه تبریز در شبکه های اجتماعی بعد از اعلام خبر شهادت ایشان پر باز دید شد که یک عکاس در توضیح آن نوشته: «آیت...آل هاشم به من گفته بود روزی که به عنوان سومین شهید محراب به شهادت رسیدم، این تصویر مرا چاپ کن». در ادامه با «بهزاد پروین قدس» که این عکس را گرفته و خودش از جانبازان سرافراز دوران دفاع مقدس است، درباره ماجرای این تصویر خاصی که برای اولین بار منتشر شده است، گفت وگویی داشتیم که در ادامه خواهید خواند.

یادگاری داشته باشم. با درخواست من موافقت کرد اما خیلی جدی تاکید کرد به من گفت که من هر وقت سومین شهید محراب شدم، این عکس را برای اولین بار منتشر و چاپ کن. من هم بر حسب وظیفه و قولی که به ایشان داده بودم، از دیروز که خبر احتمال شهادت ایشان را شنیدم، به یاد این عکس افتادم. ساعت ابتدایی صبح که خبر شهادت ایشان را شنیدم که قطعی شده است، عکس را منتشر کردم که به سرعت در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی پر باز دید شد.

تاکید ز یادری روی توجه به سیره عملی شهدا داشت

«پروین قدس» چند ماه بعد از آغاز جنگ تحمیلی و در ۱۷ سالگی به خط مقدم رفت تا با کمترین امکانات از شهدا عکاسی کند. از او درباره مدت زمان آشنایی اش با امام جمعه تبریز می پرسم که می گوید: «من از دهه شصت و دوران جوانی با ایشان آشنا شدم و آخرین بار هم چند وقت پیش بود که ایشان را دیدم. من سال ها عکاس دفاع مقدس بودم و در مناطق عملیاتی حضور داشتم. آیت...آل هاشم ساعت ها با من درباره شهدا حرف زده بود و همیشه به من برای نشر این آثار و توجه ویژه به سیره عملی شهدا تاکید می کردند».

پدر معنوی مردم و خستگی ناپذیر بود

او که خاطرات زیادی از امام جمعه تبریز دارد، درباره حال و احوالش در ساعات اخیر می گوید: «واقعیتش این است که از نظر من، تبریز و آذربایجان با شهادت ایشان یتیم شد. این شخصیت بزرگوار نه فقط برای قشر هنرمند استان، نه فقط خانواده معزز شهدا و ایثارگران، بلکه برای همه مردم و جوانان یک پدر معنوی بود. با این که این اواخر از نظر جسمی، مشکلاتی داشت و برای دیسک گردن و کمربرس مصرف

می کرد اما خستگی ناپذیر بود و تلاشش برای اطرافیاناش علاوه بر این که مایه تعجب بود اما انگیزه ای برای تلاش بیشتر و خدمت به مردم می شد. الان همه عزادار هستیم».

عکسش را در میان شهدا دید و خندید

«من یک تابلویی در اتاقم دارم که به صورت موزاییکی، یکسری از عکس شهدا و افراد زنده ای که علاقه زیادی به آن هادارم، در آن قرار دارد. این تابلو برای من یک نوع صله ارحام تصویری است. بنابراین این تابلو برای من ارزش زیادی دارد». او با این مقدمه ادامه می دهد: «یک عکس از امام جمعه تبریز هم در بین آن هاست و در تابلو وجود دارد. یک بار که ایشان به اتاق من آمدند و این عکس را دیدند، یک خنده از روی رضایت به لب شان نشست، دست روی عکس خودشان گذاشتند و گفتند که من هم توفیق شهادت به هم بر حسب وظیفه و قولی که به ایشان داده بودم، از دیروز که خبر احتمال شهادت ایشان را شنیدم، به یاد این عکس افتادم. ساعت ابتدایی صبح که خبر شهادت ایشان را شنیدم که قطعی شده است، عکس را منتشر کردم که به سرعت در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی پر باز دید شد».

روز و شب، دغدغه مردم داشت

آیت...آل هاشم وقتی امام جمعه تبریز شد، دستور داد نرده های بین مردم و مسئولان برداشته شود تا مردم بتوانند کنار مسئولان استان نماز بخوانند و با آن ها رودررو صحبت کنند. از «پروین قدس» درباره دلایل محبوبیت «آیت...آل هاشم» در بین مردم به خصوص جوانان می پرسم که می گوید: «ایشان از مردم بود و در سراسر زندگی اش، توجه به مردم نقش پررنگ و ویژه ای داشت. دلسوزی اش برای مردم، بارزترین ویژگی او بود. مثلاً فرض کنید که اگر می شنید یک نفر فوت کرده، خودش را ملزم می کرد که در مراسم ختم او حضور پیدا کند. در بطن جماعت بود، تا کسی سوار می شد، بین دستفروشا می رفت، حتی به تماشای مسابقات فوتبال می رفت و یک شخصیت جامع الاطراف بود. دغدغه مردم داشت و برای رفع مشکلات مردم، شب و روز نمی شناخت. استثنای ما مردم دیدار داشت، به حرف های شان یک بار دیدم که همه صبحانه اش به اندازه یک نعلیکی است. به ایشان گفتم با این وضعیت، از پامی افتید. گفت چاره ای ندارم، باید سریع بروم برای دیدار با مردم و وقت نیست. روزانه بدون استثنای با مردم دیدار داشت، به حرف های شان گوش می داد و با مسئولان مربوطه تماس می گرفت تا گرهی از کار کسی باز شود. حتی بین نماز که انسان مشغول ذکر باید باشد، اگر کسی مراجعه می کرد، جوابش را با روی خوش می داد. نمی دانم دیگر از این شخصیت بزرگ چه بگویم، هر چه بگویم کم است».

یک تبریز بود و یک آقای آل هاشم...

بانوی جانباز تبریزی از ویژگی های آیت...آل هاشم و محبوبیتش در تبریز می گوید

«نیرو سادات شیرفروشان حسنی» یکی از ساکنان تبریز است که در ۸۸/۸/۸ خادم حرم امام رضا (ع) شده است و داستان زندگی اش که به واسطه گرامت امام رضا (ع) شفا گرفته در کتاب «وقتی عشق شکوفه می دهد» آمده است. با ایشان که در زمان دفاع مقدس جانباز شده تماس می گیری نای حرف زن ندار د و می گوید بس که گریه کردم نمی توانم حرف بزنم. همه ما در تبریز از صبح داریم به خاطر شهادت آقای آل هاشم گریه می کنیم. تبریز قیامت است. رفته بودیم جلوی خانه پدر پیرشان که به ایشان تسلیت بگوییم. با او چند کلمه ای درباره آیت...سید محمدعلی آل هاشم که امام جمعه تبریز بودند صحبت کردیم.

نماز جمعه را بدون محافظ می آمد

خانم شیرفروشان بریده بریده حرف می زند و می گوید: «من خیلی ها افرستادم پیش آقای آل هاشم و مشکل شان را حل کرد. همیشه از پدر شان مواظبت می کردند. همیشه وقتی نماز جمعه می شد یک اتفاقی داشتند که مردم همه می رفتند مشکلات شان را می گفتند. اصلا محافظ برایش اهمیتی نداشت و همیشه

پرواز ابدی

درباره ۳ شهید کادر پرواز که ۳۰ اردیبهشت آخرین پروازشان رقم خورد و کمتر درباره آن ها شنیده ایم

در میان اسامی ۹ شهید حادثه اخیر، نام ۳ شهید خلبان به چشم می خورد که شاید چهره شان به اندازه بقیه سر نشینان آن بالگرد شناخته شده نباشد اما در خدمت به وطن چیزی کم نگذاشتند و در نهایت در جنگل دیزمار در آغوش وطن پر کشیدند و به آسمان رفتند. سرهنگ خلبان سید طاهر مصطفوی، سرهنگ خلبان محسن دریانوش و سرگرد فنی بهروز قدیمی خلبان، کمک خلبان و کروچیف (دستیار فنی) همان ۳ن هستند که می خواهیم قدری بیشتر آن ها را بشناسیم.

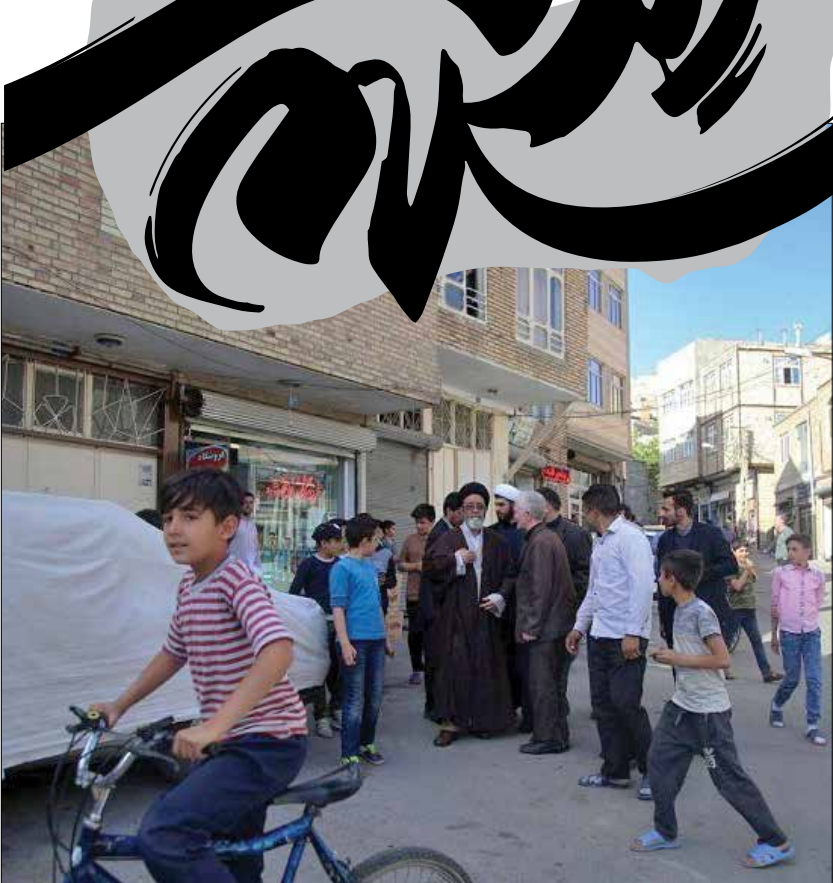
شهید سید طاهر مصطفوی ادامه نام خانوادگی اش سنزیقی است و سنزیق (سنجیق) است یکی از روستاهای آذربایجان شرقی در ۱۲ کیلومتری شهر سراب. وقتی به پسر عموش گفته بود خوش به سعادت که خادم حرم امام رضا (ع) شدی نمی دانست خودش قرار است در شب ولادت خورشید هشتم آسمانی شود. از شهید سرهنگ خلبان سید طاهر مصطفوی تنها چند عکس در فضای مجازی دست به دست می شود. صفحه اینستاگرام این شهید تنها چهار پست دارد و آخرین آن مربوط به ۴ سال پیش است. یکی از همین پست ها نشان می دهد او پدر بزرگ هم بوده است و مثل همه پدر بزرگ ها عاشق نوه اش. سیدرسول مصطفوی پسرعموی این شهید که بسیار از این اتفاقی متأثر بود درباره او گفت: «مرد خدا بود. اهل نماز بود. عاشق اهل

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان رضوی

سه شنبه • اول خرداد ۱۴۰۳
۱۲ ذی القعدة ۱۴۴۵ • ۲۱ می ۲۰۲۴
شماره ۲۱۴۹۷

۲۷۱۶



همه برنامه ها را بدون استثنای می آمدند بدون این که خودشان را بگیرند.»

در خانه شان به روی همه باز بود

«آقای آل هاشم همیشه به درد مردم گوش می کردند. در خانه شان به روی همه باز بود؛ جوری که یکی از فرماندهان سپاه به ایشان گفته بود حاج آقا مواظب باشید. واقعا لیاقت شهادت داشتند. دوستم برایش مشکل پیش آمده بود و بانک می خواست خانه شان را بر دارد. فرستادم پیش آقای آل هاشم. ایشان نامه نوشت و مشکل را حل کرد. هر چه بنویسید و هر چه بگویید باز هم کم است. استاندار جوان مان آقای مالک رحمتی هم حیف شد. تازه ۵ ماه آمده بود اما آن قدر به تبریز رسیدگی کرد که شد بهشت. ما نمی دانیم برای چه کسی گریه کنیم؛ امام جمعه مان یا استاندار مان. می گویند استاندار تا دیروقت کار می کرد. حیف شد و ان شاء... سر سفره امام رضا (ع) باشند...»

■



شهید بهروز قدیمی سرگرد بهروز قدیمی فرزند حاج اسحاق قدیمی از اهالی در سجن است روستایی لر نشین در ابهر شهر زنجان. روستایی که حالا حتما به خاطر پرورش دادن چنین فرزندان در آن دیار به خود می بالد. او به عنوان سرگرد فنی در پرواز بالگرد رئیس جمهوری حضور داشت و به گفته کانال اخبار ارتش تنها یک سال از خدمتش مانده بود تا باز نشسته شود. مردی که با تجربه و تخصصش می توانست سال های سال به وطن خدمت کند اما تقدیر برای او سر نوشت دیگری رقم زده بود.